

# سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان

( ۱ آوریل ۱۹۴۸ )

رفقا ! امروز میخوام بطور عمده درباره چند مسئله مربوط به کارمان در منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان و سپس درباره چند مسئله مربوط به کارمان در مجموعه کشور با شما حرف بزنم .

۱

بعقیده من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب که از يك سال باین طرف تحت رهبری سوپوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی - سوی یوان در این منطقه صورت گرفته با کامیابی قرین بوده است . این کامیابی را میتوان از دو جنبه مشاهده کرد . از يك سو سازمان حزب در شان سی - سوی یوان ، با انحرافات راست مبارزه کرده ، توده‌ها را بمبارزه کشانده ، کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در میان دو میلیون و چند صد هزار نفر از سکنه محل که اندکی بیش از ۳ میلیون

نفراند پپایان رسانده و یا در حال پپایان رساندن است . از سوی دیگر انحرافات "چپ" را که در طی این جنبش پیش آمد رفع کرده و باین طریق مجموعه کار خود را براه رشد سالم انداخته است . من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان از این دو نظر موفقیت آمیز می شمارم .

مردم منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان میگویند : " از این پس دیگر هیچکس جرأت ندارد روش فتودالی داشته باشد ، دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتار کند ، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید . " اینست نتیجه ای که مردم از کار ما در زمینه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب میگیرند . وقتیکه مردم میگویند : " دیگر هیچکس جرأت ندارد روش فتودالی داشته باشد " منظورشان اینست که مردم با مبارزه ای که تحت رهبری ما درگیر شده است سیستم استثمار فتودالی را در مناطق آزادشده جدید و آخرین بقایای آن را در مناطق آزادشده قدیم و نسبتاً قدیم برانداخته اند و یا در حال برانداختن اند . وقتیکه مردم میگویند : " دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتار کند ، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید " باین پدیده خطیر اشاره میکنند که مقداری آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی و ارگانهای دولتی ما بوجود آمده بود ، عده ای از عناصر زیانکار در سازمانهای حزبی و ارگانهای دولتی راه یافته بودند ، عده ای از افراد بشیوه بوروکراتیک کار دست زده ، بسو استفاده از قدرت خویش و بدرفتاری با اشخاص پرداخته ، اسلوب های زورگویانه و قدرت فروشانه در اجرای وظایف بکار برده و بالنتیجه ناخشنودی توده ها را برانگیخته بودند ، و یا اینکه دستخوش فساد شده و یا بمنافع توده ها لطمه زده بودند . این وضعیت در اثر يك

سال کار در راه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب از ریشه عوض شده است . یکی از رفقای حاضر در کنفرانس بمن گفت : " آنچه برای ما هلاکت آور بود اکنون رفع شده است و آنچه تا امروز نداشتیم اکنون بدست آمده است . " از آنچه برای ما هلاکت آور بود منظورش پدیده خطر مقداری آلودگی است که در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی و ارگانهای دولتی ما وجود داشت و عدم رضایتی که این امر در میان توده ها بر میانگیخت . اینک این پدیده بکلی از میان رفته است . آنچه تا امروز نداشتیم و اکنون بدست آورده ایم اشاره است به سازمان های دهقانان فقیر ، اتحادیه های جدید دهقانی ، کنفرانس های خلق در مرتبه بخش یا ده و محیط تازه ای که در اثر اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در روستاها حکم فرماست .

بعقیده من این انعکاس مطابق واقعیت است .

اینست کاسیایی بزرگ کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان . این جنبه اول کاسیایی ماست . فقط بر این پایه است که سازمان حزبی شان سی - سوی یوان توانسته در عرض يك سال کار عظیمی در راه خدمت بارتش و برای پشتیبانی از جنگ کبیر آزاد ببخش توده های انجام دهد . بدون کاسیایی هائی که در کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب بدست آمده است مشکل بود که چنین وظیفه مترگی از لحاظ نظامی بخوبی اجرا شود .

از طرف دیگر سازمان حزبی شان سی - سوی یوان چند انحراف "چپ" را که در جریان کارش بظهور رسیده بود رفع کرده است . بطور عمده سه انحراف از این گونه وجود داشته است . نخست اینکه در بسیاری از جاها در موقع تعیین تعلق طبقاتی ، تعداد کثیری از زحمتکشانی را که

هرگز با استثمار فئودالی دست نزده و یا باندازه ناچیزی دست زده بودند بعلت از نوع مالکان ارضی و دهقانان مرفه بشمار آوردند . بالنتیجه بخش مورد حمله را بعلت بیش از اندازه توسعه دادند و این اصل فوق‌العاده سهم استراتژیک را از یاد بردند که ما میتوانیم و باید در اصلاحات ارضی قریب ۹۲ درصد خانواده‌ها و قریب ۹ درصد اهالی نواحی روستائی یعنی همه خلق زحمتکش دهات را با خود متحد سازیم تا جنبه متحدی بر علیه سیستم فئودالی بوجود آوریم . اکنون این انحراف رفع شده است . بالنتیجه اهالی اطمینان‌خاطر بسیار یافته‌اند و جنبه متحد انقلابی استوارتر گشته‌است . دوم اینکه در طی اصلاحات ارضی ، منافع پنگاههای صنعتی و بازرگانی که متعلق به مالکان ارضی و دهقانان مرفه باشد صدمه دید ؛ در طی مبارزه‌ای که برای فاش ساختن فعالیت‌های ضد انقلابی در زمینه اقتصادی صورت گرفت از حدود مقرر تجاوز بعمل آید ؛ در سیاست مالیاتی بر صنعت و بازرگانی لطمه خورد . اینها بود انحرافات "چپ" در مورد صنعت و بازرگانی . اینک انحرافات مذکور نیز رفع شده‌است و این امر به صنعت و بازرگانی اسکان میدهد که سر پای خود بایستد و رشد یابد . سوم اینکه در طی مبارزه حادی که از يك سال به این طرف در راه اصلاحات ارضی جریان یافت سازمان حزبی شان سی - سوی یوان نتوانست در اجرای سیاست حزب که زدن و کشتن بدون تشخیص گناه را اکیداً ممنوع میسازد استوار و بی‌تزلزل باشد و بطوری که در بعضی از جاها در هنگام اصلاحات ارضی عده‌ای از مالکان ارضی و دهقانان مرفه بدون ضرورت اعدام شدند و عناصر زیانکار روستاها برای تلافی‌جوئی از وضعیت استفاده کرده و عده‌ای از زحمتکشان را وحشیانه بقتل رساندند . البته ما میدانیم که کاملاً لازم و صحیح است که جنایتکاران بزرگی که بطور

فعال و جدی با انقلاب دموکراتیک توده‌های بمبارزه برخاسته و در اصلاحات ارضی خرابکاری کرده‌اند یعنی ضد انقلابی‌ها و مستبدان محلی که مرتکب فجایع بزرگ شده‌اند بوسیله دادگاه‌های توده‌ای و مقامات دموکراتیک با اعدام محکوم گردند. در غیر این صورت نمیتوان نظام دموکراتیک را برپا ساخت. ولی اعدام بلاتشخیص فرمانبران ساده گویندگان، مالکان ارضی عادی و دهقانان مرفه عادی و یا افرادی که گناه کمتری دارند ممنوع است. بعلاوه دادگاه‌های توده‌ای و مقامات دموکراتیک نباید در بازجوئی جنایتکاران به فشار جسمانی توسل جویند. انحرافات از این گونه که از یک سال باین طرف در منطقه شان سی - سوی یوان بظهور رسیده نیز رفع شده است.

از آنجا که همه این انحرافات بطور شایسته رفع شده‌است با دلایل کافی میتوان گفت که مجموعه کاری که سوپوروی کمیته مرکزی در شان سی - سوی یوان انجام میدهد در راه رشد سالم سیر میکند.

شیوه اساسی کار که باید در ذهن هر کمونیستی جایگیر شده باشد اینست که رهنمودهای خود را بر طبق وضعیت واقعی معین کنیم. بررسی اشتباهات نشان میدهد که همه آنها ناشی از این امر است که ما وضعیت واقعی را آنطور که در زمان و مکان معین وجود داشته است بحساب نیاورده‌ایم و در موقع تعیین رهنمودهای کار خود بطور ذهنی عمل کرده‌ایم. همه رفقا باید از این درس بگیرند.

در مورد تحکیم سازمان‌های بنیادی حزب، شما بر طبق رهنمود کمیته مرکزی درباره کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم (۱) از تجربه شهرستان پین شان از منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به استفاده کرده‌اید باین معنی که میان توده‌ها

از عناصر فعال خارج از حزب برای شرکت در جلسات حوزه‌های حزب دعوت بعمل آوردید در آنجا بانتقاد و انتقاد از خود پرداختید تا به آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان‌های حزبی خاتمه داده شود و از این راه به حزب امکان دادید که پیوندهای خویش را با توده‌ها استوار سازد. این امر بشما توانائی خواهد بخشید که همه کار تحکیم سازمان‌های حزب را بخوبی بانجام برسانید.

آن اعضاء حزب و کادرهایی که مرتکب خطا شده ولی هنوز در خور تجدید تربیت‌اند و در شمار علاج‌ناپذیران نیستند نباید رانده شوند بلکه باید همه آنها را، هر منشاء طبقاتی که داشته باشند، از نو تربیت کرد. جای خوشوقتی است که شما این اصل را بکار برده‌اید و یا اینکه بکار می‌برید.

یکی از ارزنده‌ترین تجربی که در مبارزه بر علیه سیستم فئودالی بدست آمده اینست که بر اساس سازمان‌های دهقانان فقیر و اتحادیه‌های دهقانی، کنفرانسهای نمایندگان خلق در بخش‌ها و دهات (دهستانها) تشکیل شده است. فقط کنفرانسی که بر اراده توده‌های واقعاً وسیع متکی باشد کنفرانس واقعی نمایندگان خلق است. اینک امکان آن فرا رسیده است که کنفرانسها از این نوع در کلیه مناطق آزاد شده بوجود آید. چنین کنفرانس همینکه بوجود آمد باید بصورت ارگان محلی قدرت توده‌ای در آید و این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او باید از تمام اختیارات لازم برخوردار گردند. آنموقع سازمان‌های دهقانان فقیر و اتحادیه‌های دهقانی دستیار این کنفرانس و شوراهاى دولتی خواهند بود. نظر ما آن بود فقط آنکه کنفرانس نمایندگان خلق را در مناطق روستائی بوجود آوریم که اصلاحات ارضی علی‌الاصول تمام شده باشد. اینک که

تجربه شما و تجربه سایر مناطق آزاد شده این نکته را باثبات رسانیده که ممکن و لازم است که این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او در مبارزه اصلاحات ارضی در مقیاس بخش و ده بوجود آید ، شما باید باین کار ادامه دهید . در تمام مناطق آزاد شده باید اینطور عمل شود . پس از اینکه کنفرانسهای نمایندگان خلق در همه بخشها و دهها برپا شد میتوان کنفرانسهای شهرستانی تشکیل داد . پس از اینکه کنفرانسهای نمایندگان خلق در همه شهرستانها و در درجات پائینتر تشکیل شد ایجاد کنفرانسها در مقیاس بالاتر از شهرستان آسان خواهد بود . کنفرانسهای نمایندگان خلق در درجات مختلف باید حتی الامکان شامل نمایندگان کلیه قشرهای دموکراتیک - کارگران ، دهقانان ، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی ، دارندگان مشاغل آزاد ، روشنفکران ، صنعت‌داران و بازرگانان بورژوازی ملی ، متنفذین روشن‌بین - باشند . البته نباید کوشید که بهرطوری که هست همه این قشرها نماینده در کنفرانس داشته باشند . باید میان آن مناطق روستائی که جنبه شهری میدارند و آن مناطق روستائی که فاقد این جنبه اند ، میان درجات مختلف این جنبه ، میان شهرها و مناطق روستائی فرق گذاشت و وظیفه متحد ساختن کلیه قشرهای دموکراتیک را بطور طبیعی و نه مکانیکی انجام داد . در طی مبارزه عظیم توده‌ای برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب ، دهها هزار عضو فعال و کادر آموزش و پرورش یافتند . اینان با توده‌ها در پیونداند و سرمایه بسیار گرانبهای جمهوری توده‌ای چین بشمار می‌آیند . ما باید از این پس بر کوشش خود برای آموزش آنها بیفزائیم تا پیوسته در کار خویش به پیشرفت نائل گردند . در عین حال باید آنها را از اینکه در اثر پیشرفت‌ها و ستایش‌ها مغرور و از خود راضی باشند برحذر

بداریم .

بر این اساس ، بر اساس پیشرفت‌هایی که در این زمینه‌های مختلف بدست آمده میتوان گفت که منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان امروز از هر وقت دیگر استوارتر است . سایر مناطق آزاد شده که بهمین طریق کار کرده‌اند نیز استوار گردیده‌اند .

## ۲

علل کامیابی‌های منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان ، در آنجا که مربوط به رهبری است ، بطور عمده از این قرار است :

۱ - سوبوروی شان سی - سوی یوان با کمک گرفتن از کاری که رفیق کان شن در بهار و تابستان ۱۹۴۷ در دهکده اداری حائو جیا پو از شهرستان لین سیان انجام داده بود در ژوئن سال گذشته کنفرانسی از دبیران کمیته‌های حزبی ولایتی ترتیب داد . کنفرانس انحرافات راست را که قبلاً در کار وجود داشت انتقاد کرد ، این واقعیت خطیر را روشن ساخت که بطرق گوناگون از مشی حزب جدائی حاصل شده است ، و این سیاست را اتخاذ کرد که یکدلانه به کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب پردازد .

کنفرانس مجموعاً موفقیتی بشمار می‌آید . چنین نهضت وسیع اصلاحات ارضی و تحکیم حزب بدون این کنفرانس نمیتوانست بکامیابی برسد . معذک کنفرانس مذکور نقایصی نیز داشت که چنین است :

کنفرانس میان رهنمودهای کاری که در مناطق آزاد شده مختلف ، در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم و جدید بر طبق شرایط



خاص هر منطقه باید عملی شود فرق نگذاشت . کنفرانس در تعیین تعلق طبقاتی ، سیاسی چپ‌روانه اتخاذ کرد . کنفرانس در مسئله وسائلی که برای نابود ساختن سیستم فئودالی باید بکار برده شود بیش از اندازه در کشف اسوای که مالکان ارضی دفن کرده‌اند اصرار ورزید . کنفرانس در این مسئله که در برابر مطالبات توده‌ها چه روشی باید اتخاذ کرد بدون آنکه به تحلیل روشنی پردازد شعار " آنچه توده‌ها میخواهند انجام دهیم " را بطور مبهم به پیش کشید . مسئله اخیر را که مسئله ارتباط میان حزب و توده‌ها است باید چنین فهمید : حزب باید توده‌ها را در عملی ساختن کلیه نظریات درست آنان بر طبق شرایط مختلف رهبری کند ؛ حزب باید به توده‌ها بیاموزد تا نظریات نادرستی را که در صفوفشان بظهور رسیده است اصلاح کنند . کنفرانس فقط تکیه کرد بر اینکه حزب باید نظریات توده‌ها را عملی سازد ولی از دیده فرو گذاشت که حزب همچنین باید به توده‌ها بیاموزد و توده‌ها را رهبری کند . بعداً این غفلت بر روی رفقای بعضی از مناطق اثر زیانمندی گذاشت و اشتباه دنباله‌روی آنها را عمیق‌تر ساخت .

۴ - سوپوروی شان سی - سوی یوان در ژانویه گذشته تصمیمات مناسبی برای رفع انحرافات " چپ " اتخاذ کرد . این تصمیمات پس از بازگشت رفقای سوپورو که در جلسه دسامبر کمیته مرکزی (۲) شرکت جسته بودند بموقع اجرا گذاشته شد . سوپورو در این مورد رهنمودی در پنج ماده (۳) صادر کرد . این تصمیمات اصلاحی آنچنان با خواست‌های توده‌ها مطابق بود و آنچنان سرعت و آنچنان بدقت بموقع اجرا در آمد که در اندک

مدتی تقریباً همه انحرافات "چپ" رفع گردید .

## ۳

مشی رهبری سازمان حزب در شان سی - سوی یوان در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی اصولاً درست بود . مظاهر این درستی را در اینجاها میتوان مشاهده کرد که بهره مالکانه و نرخ سود تقلیل یافت ، تولید کشاورزی ، نخ ریزی و بافندگی خانگی ، صنایع جنگی و برخی از رشته های صنایع سبک تا اندازه های قابل توجهی مجدداً مستقر شده و توسعه یافت ، شالوده سازمان های حزب افکنده شد ، دولت دموکراتیک بوجود آمد ، ارتش توده ای قریب صد هزار نفری تشکیل گردید . با تکیه بر این کارها بود که ما توانستیم در جنگ مقاومت ضد ژاپنی پیروزی بدست آوریم و حملات ین سی شان و سایر مرتجعان را دفع کنیم . بدیهی است که حزب و دولت در این دوره نقایصی میداشتند ؛ این نقایص ، همانطور که اینک بروشنی دیدیم ، عبارت بود از درجه ای از آلودگی در ترکیب طبقاتی صفوف ما و در شیوه کار ما ، نیز اثرات زیانمندی که از این آلودگی در کار ما بظهور رسید . اما کاری که در دوره جنگ مقاومت صورت گرفت مجموعاً ثمربخش بود و این امر شرایط مساعدی برای ما فراهم آورد تا پس از تسلیم ژاپن به درهم شکستن حملات ضد انقلابی چانکایشک پردازیم . نقایص و اشتباهات رهبری سازمان حزبی در شان سی - سوی یوان در دوره جنگ مقاومت در اصول ناشی از آن بود که رهبری نتوانست بر وسیع ترین توده ها تکیه کند تا آن اندازه آلودگی را که در ترکیب طبقاتی و شیوه کار سازمان های

حزبی و ارگان‌های دولتی بظهور رسیده بود و همچنین اثرات زیانمند آن را در کار خویش رفع کند. شما اینک این وظیفه را انجام داده‌اید. یکی از علل چنین وضعی این بود که بعضی از رفقای ما که آن روز شان سی - سوی یوان را رهبری میکردند بسیاری از جنبه‌های وضعیت واقعی حزب و توده‌ها را در نیافته بودند. این نیز باید برای رفقای ما درسی باشد.

## ۴

اکنون وظیفه سازمان حزبی شان سی - سوی یوان اینست که تا میتواند بکوشد که کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را پایان برساند، همچنان به جنگ آزادیبخش توده‌ای و پشتیبانی از آن پردازد، از افزایش بار مالیاتی خلق بپرهیزد و بطور مناسب آن را تخفیف دهد، تولید را مستقر سازد و توسعه دهد. اینک شما کنفرانسی درباره تولید ترتیب داده‌اید. در سال‌های آینده، هدف استقرار و توسعه تولید عبارت خواهد بود از بهبود بخشیدن زندگی خلق از یک طرف و پشتیبانی از جنگ آزادیبخش توده‌ای از طرف دیگر. کشاورزی و صنعت پیشه‌وری شما بسیار گسترده است. چند صنعت سبک و سنگین نیز دارید که با ماشین می‌چرخند. من امیدوارم که شما این دستگاههای تولیدی را خوب رهبری خواهید کرد، و گرنه مارکسیستهای خوبی نخواهید بود. در کشاورزی، گروه‌های مبادله کار و کثوپراتیوهائی (۴) که در دست عناصر انباشته از بوروکراسی بودند و جز زیان رساندن بخلق نتیجه‌ای نداشتند همه بر باد رفته‌اند. این کاملاً قابل درک است و بهیچوجه

تأسف ندارد . وظیفه شما آنست که آن گروه‌های مبادله کار ، کثوپراتیوها و اشکال دیگر سازمان‌های لازم اقتصادی را که مورد پشتیبانی توده‌ها قرار گرفته‌اند حفظ کنید و توسعه بخشید و شکل آنها را در همه جا برپا سازید .

•

ذهن رفقای ما متوجه وضعیتی است که در سراسر کشور برقرار است . پس از آنکه کنفرانس کشوری ارضی حزب که سال گذشته تشکیل شد سیاست جدیدی برای توسعه کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب اتخاذ کرد کنفرانس‌های بزرگی از کادرها برای همین دو موضوع تقریباً در همه مناطق آزاد شده بر پا گشت . در این کنفرانس‌ها افکار انحرافی راست که در حزب وجود داشت مورد انتقاد قرار گرفت و این واقعیت خطیر روشن شد که ترکیب طبقاتی صفوف ما و شیوه کار ما تا درجه‌ای آلودگی یافته است . از این ببعد در بسیاری منطقه‌ها تصمیمات مقتضی اتخاذ شد و انحرافات " چپ " رفع گردید و یا در حال رفع گردیدن است . باین طریق حزب ما در مواجهه با وضعیت سیاسی جدید و وظیفه سیاسی جدید توانست کار خویش را در مجموعه کشور براه رشد سالم بیندازد . در ماه‌های اخیر تقریباً کلیه واحدهای ارتش آزادپخش توده‌ای از فاصله میان نبردها برای کار پر دامنه در زمینه آموزش و تحکیم استفاده کرده‌اند . این کار با شیوه دموکراتیک ولی در عین حال با رهبری صحیح و نظم کامل صورت گرفته است . در نتیجه این کار شور انقلابی توده‌های وسیع فرماندهان و جنگجویان در اثر درك روشن از هدف جنگ بالا رفته ،

برخی از گرایش‌های خطای ایدئولوژیک و برخی از پدیده‌های زیانمندی که در ارتش بظهور رسیده بود خاتمه داده شده است، کادرها و سربازان آموزش دیده‌اند و قدرت نبرد ارتش افزایش بسیار یافته است. ما باید این جنبش آموزش ایدئولوژیک در ارتش را که جنبش دموکراتیک توده‌ای طراز نوین است همچنان بسط دهیم. خوب توجه دارید که دشمن ما، گویندگان، نمیتواند از عهده هیچیک از این وظائف که اهمیت بزرگ تاریخی دارد - تحکیم حزب، آموزش ایدئولوژیک ارتش، اصلاحات ارضی - و ما انجام داده‌ایم برآید. ما مجدانه به غلبه بر نقایص مشغولیم و طوری کرده‌ایم که همه حزب و همه ارتش مانند تن واحدی متحد باشند. همه حزب و همه ارتش با توده‌های خلق پیوند نزدیک برقرار کرده‌اند، کلیه رهنمودهای سیاسی و کلیه تاکتیک‌هایی که از طرف کمیته مرکزی حزب ما معین میشود بوجه مؤثر بموقع عمل در می‌آید و جنگ آزادیبخش توده‌ای مظفرانه به پیش میرود. ولی در نزد دشمنان ما کاملاً برعکس است. آنان آنقدر قاسداند، آنقدر در اثر تضادهای تسکین‌ناپذیر و روزافزون داخلی خود از هم گسیخته‌اند، آنقدر مورد انکار خلق‌اند و در چنان افراد کامل افتاده‌اند و آنقدر در عرصه نبرد بشکست خورده‌اند که مسلماً رهسپار نیستی‌اند. اینست بطور کلی دو منظره متضاد انقلاب و ضد انقلاب در چین.

در برابر چنین وضعیتی، کلیه رفقای حزبی باید با عزم راسخ از مشی عمومی حزب که مشی انقلاب دموکراتیک نوین است پیروی کنند. این انقلاب هر انقلابی نیست، این انقلاب فقط میتواند و باید انقلاب توده‌های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا و برضد اسپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک باشد. بآن معنی که رهبری این انقلاب نمیتواند

و نباید در دست طبقه دیگر و حزب دیگر جز پرولتاریا و حزب کمونیست چین باشد. بآن معنی که جبهه متحد کسانی که در این انقلاب شرکت میجویند خیلی پهناور است و شامل میشود بر کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی، دارندگان مشاغل آزاد، روشنفکران، بورژوازی ملی و عده قلیلی از متنفذین روشن‌بین که از طبقه مالکان ارضی بریده‌اند. اینها مجموعه‌ای را تشکیل میدهند که ما توده‌های وسیع خلق مینامیم. حکومت و دولتی که این توده‌های وسیع خلق باید بنیاد نهند عبارتست از جمهوری توده‌ای چین و دولت دموکراتیک ائتلافی برهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد همه طبقات دموکراتیک. دشمنانی که سرنگونی آنها هدف این انقلاب است جز امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک نمیتوانند باشند و نباید باشند. مظهر جامع کلیه این دشمنان عبارتست از رژیم ارتجاعی گومیندان چانگ‌کایشک.

فئودالیسم دستیار امپریالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و پایه سلطه آنهاست. از اینجهت مضمون اساسی انقلاب دموکراسی نوین در چین عبارتست از رفرم سیستم ارضی. مشی عمومی اصلاحات ارضی مشعر است بر تکیه بر دهقانان فقیر و اتحاد با دهقانان میانه حال تا آنکه سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و با شیوه‌های گوناگون برافتد و تولید کشاورزی بسط یابد. آن نیروی اصلی که ما در طی اصلاحات ارضی بر آن تکیه میکنیم نمیتواند و نباید نیروی دیگری باشد مگر دهقانان فقیر. این قشر از دهقانان با مزدوران کشاورزی رویهم رفته قریب ۷۰ درصد جمعیت روستای چین را تشکیل میدهد. وظیفه عمده و عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات توده‌های دهقانان فقیر و نیز مزدوران کشاورزی. در اصلاحات ارضی، اتحاد ما با دهقانان

میانه حال ضروری است . دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی باید با دهقانان میانه حال که قریب ۲۰ درصد جمعیت روستا هستند متحد شوند تا جبهه متحد استواری بوجود آورند . در غیر این صورت دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی منفرد خواهند شد و اصلاحات ارضی با شکست روبرو خواهد گردید . یکی از وظائف اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات عده‌ای از دهقانان میانه حال . باید به بخشی از آنها اجازه داد که هر نفرشان بیش از آن اندازه زمین داشته باشد که دهقانان فقیر بطور متوسط دریافت میدارند . اگر ما از مطالبه دهقانان مبنی بر تقسیم متساوی زمین پشتیبانی میکنیم برای آنست که بجنبش درآوردن توده‌های وسیع دهقانان را بمنظور برانداختن سریع سیستم مالکیت ارضی طبقه مالکان فئودال آسان گردانیم و برای آن نیست که به برابری مطلق مبادرت جوئیم . کسی که هوادار برابری مطلق است خطا میکند . اینک چنین نظریه‌ای در دهات متداول شده است که به صنعت و بازرگانی زیان میرساند و مبلغ برابری مطلق در تقسیم زمین است . این نظریه ، ارتجاعی است ، عقب‌مانده است ، قهقرائی است و ما باید از آن انتقاد کنیم . در طی اصلاحات ارضی ، آماج ما فقط سیستم استثمار فئودالی است که از طرف طبقه مالکان ارضی و دهقانان سرفه نوع قدیم عملی میشود و نباید جز این باشد . نباید بمنافع بورژوازی ملی و منافع بنگاههای صنعتی و بازرگانی که بدست مالکان ارضی و دهقانان سرفه اداره میشود لطمه زد . بویژه باید مراقب بود که بر منافع آن دهقانان میانه حال ، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی ، دارندگان مشاغل آزاد و دهقانان سرفه نوع جدید که کار دیگران را استثمار نمیکنند و یا کم استثمار میکنند صدمه وارد نشود . هدف اصلاحات

ارضی عبارتست از برانداختن سیستم استثمار فتودالی یعنی برانداختن مالکان ارضی فتودال بمنزله طبقه و نه بمنزله افراد . از همینجهت باید بهر مالك ارضی همانقدر زمین و مال داد که بیک دهقان . باید باو کار مولد آسوخت و او را در زندگی اقتصادی ملی شریک ساخت . لازم است درباره همه کس ، بااستثنای ضد انقلابیها و سستبدان محلی که سرتکب بزرگترین فجایع شده و کینه تسکین ناپذیر توده های وسیع خلق را بخود جلب کرده اند و اگر گناهشان ثابت شود ممکن است و باید مورد مجازات قرار گیرند ، سیاست اغماض اعمال گردد . زدن و کشتن بدون تشخیص گناه ممنوع است . سیستم استثمار فتودالی باید بطور منظم یعنی بر طبق تاکتیک از بین برده شود . وقتیکه بمبارزه دست میزنیم باید تاکتیک خود را برحسب اوضاع و برحسب درجه آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده های دهقان معین کنیم . نباید در صدد بود که تمام سیستم استثمار فتودالی یک روزه برافتد . با در نظر گرفتن شرایط مشخص سیستم استثمار فتودالی ، بشکلی که در دهات چین برقرار است ، مجموعه بخشی که در طی اصلاحات ارضی مورد حمله قرار میگیرد بطور کلی نباید بیش از تقریباً ۸ درصد خانوارها و یا بیش از تقریباً ۱۰ درصد اهالی روستا را شامل شود . این صدانه در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم باید از این هم کمتر باشد . خطرناک است که بخش مورد حمله اشتباهاً توسعه داده شود و واقعیت از دیده فروگذار گردد . از طرف دیگر در مناطق آزاد شده جدید باید میان محل های مختلف و مراحل مختلف فرق گذاشت . منظور از فرق گذاشتن میان محل های مختلف اینست که در آنجائی که میتوانیم محکم مستقر شویم کوشش های خود را بر روی اصلاحات ارضی مناسبی که مطابق آرزوی توده های خلق



باشد متمرکز سازیم ولی در آنجائی که عجبالتاً نمیتوان محکم مستقر شد تا موقع تغییر وضعیت ، به اجرای وظائفی که عملی است و در شرایط موجود بسود توده‌هاست اکتفا ورزیم و در اقدام باصلاحات ارضی شتاب نکنیم . منظور از فرق گذاشتن میان مراحل مختلف اینست که در آنجائی که تازه باشغال ارتش آزادیبخش توده‌ای در آمده است تاكتيك بیطرف ساختن دهقانان مرفه و همچنین مالکان ارضی متوسط و کوچک را به پیش بکشیم و بکار بندیم و حملات خویش را به نابود گردانیدن نیروهای مسلح ارتجاعی گومیندان محدود سازیم و فقط بر مالکان بزرگ و مستبدان محلی ضربه بزنیم . ما باید همه مساعی خویش را بر روی اجرای این وظیفه بمنزله مرحله اول کار در مناطق آزادشده جدید متمرکز سازیم . سپس بتدریج که سطح آگاهی سیاسی و تشکل توده‌ها بالا می‌آید ما بسمت مرحله لغو کامل سیستم فئودالی پیش خواهیم رفت . ما باید در مناطق آزاد شده جدید اسوال منقول و زمین‌ها را فقط آنگاه تقسیم کنیم که وضع نسبتاً ثابت شده باشد و اکثریت عظیم توده‌ها کاملاً بسیج شده باشند . در غیر این صورت کار ما متضمن خطر خواهد بود ، نامطمئن و زیانمند خواهد بود . ما باید در مناطق آزاد شده جدید تجربه‌ای را که در طی جنگ مقاومت بدست آورده‌ایم بخوبی مورد استفاده قرار دهیم . وقتیکه می‌گوئیم برانداختن سیستم فئودالی باید با شیوه‌های گوناگون انجام گیرد منظورسان ضرورت این امر است که باید میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه ، میان مالکان ارضی بزرگ و متوسط و کوچک ، میان کسانی از مالکان ارضی و دهقانان مرفه که مستبداند و کسانی که مستبد نیستند فرق گذاشت . ما در عین حال که اصل عمده تقسیم متساوی زمین و برانداختن سیستم فئودالی را سراعات میکنیم نباید در

مورد این اشخاص تصمیمات یکسان اتخاذ کنیم بلکه باید شیوه برخورد ما با هر کدام برحسب شرایط مختلف باشد. اگر باین طریق عمل کنیم همه خواهند دید که عمل ما کاملاً مطابق عقل سلیم است. هدف عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از بسط تولید کشاورزی. فقط لغو سیستم فئودالی میتواند شرایط جهت این بسط را فراهم آورد. در هر منطقه همینکه سیستم فئودالی برانداخته شد و اصلاحات ارضی بیپایان رسید حزب و دولت دموکراتیک باید استقرار و بسط تولید کشاورزی را در دستور روز بگذارند، کلیه نیروهای موجود در ده را بر روی این وظیفه متمرکز سازند، کثوپراسیون و کمک متقابل را سازمان دهند، تکنیک کشاورزی را تکامل بخشند، زبده کردن بذر را تشویق کنند، بامور آبیاری بپردازند، و همه این کارها را بمنظور افزایش تولید انجام دهند. سازمان‌های حزب در مناطق روستائی باید بیشترین نیروهای خویش را در راه استقرار و بسط تولید کشاورزی و نیز تولید صنعتی مراکز شهرستانها بکار اندازند. برای اینکه این استقرار و این بسط تسریع شود ما باید در طی مبارزه‌ای که بمنظور لغو سیستم فئودالی انجام میدهم با تمام قوا بکوشیم تا کلیه وسایل قابل استفاده تولید و وسائل قابل استفاده معاش حتی الامکان حفظ شود و در مورد هر کس که آنها را از بین ببرد و یا باسراف دست بزند تصمیمات جدی بگیریم و با زیاده‌روی در خورد و خوراک مخالفت ورزیده، صرفه‌جوئی شدیدی را مراعات کنیم. برای اینکه تولید کشاورزی بسط یابد ما باید بدهقانان توصیه کنیم که بتدریج و بر پایه اصل داوطلبی در انواع کثوپراتیوهای تولید و مصرف بر اساس مالکیت خصوصی و در چارچوب شرایط اقتصادی کنونی متشکل گردند. لغو سیستم فئودالی و بسط تولید کشاورزی پایه‌ای خواهد

بود برای بسط تولید صنعتی و تبدیل کشور کشاورزی ما به کشور صنعتی . اینست هدف نهائی انقلاب دموکراسی نوین .

شما رفقا میدانید که حزب ما مشی عمومی و سیاست عمومی انقلاب چین را تعیین کرده و همچنین مشی‌های مشخص مختلف برای کار و رهنمودهای سیاسی مشخصی نیز مقرر داشته است . معذک غالباً اتفاق می‌افتد که بسیاری از رفقا مشی‌های مشخص کار و رهنمودهای مشخص سیاسی را فرا می‌گیرند و مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را از یاد می‌برند . و چنانچه واقعاً ما مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را فراموش کنیم انقلابیونی نایینا ، ناپخته و کورذهن خواهیم بود و در موقعی که مشی‌های مشخص کار و یا رهنمودهای سیاسی مشخص را عملی می‌گردانیم سمت حرکت را گم خواهیم کرد ، گاهی بچپ و گاهی بر راست خواهیم افتاد و بکارمان صدمه خواهیم زد .

اجازه بدهید بار دیگر تکرار کنم :

انقلاب توده‌های پهناور خلق در زیر رهبری پرولتاریا ، بر ضد امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک — اینست انقلاب دموکراسی نوین در چین ، اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در مرحله تاریخی کنونی .

تکیه بر دهقانان فقیر ، اتحاد با دهقانان میانه حال ، لغو سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و باشیوه‌های گوناگون و بسط تولید کشاورزی — اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در کار اصلاحات ارضی در دوره انقلاب دموکراسی نوین .

## یادداشتها

۱ - این رهنمود کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۲۲ فوریه ۱۹۴۸ صادر شد. رهنمود مذکور تجربه‌ای را که در طی کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزادشده مختلف بدست آمده بود ترازبندی کرد، یک سلسله رهنمودهای سیاسی و شیوه‌هایی برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب مقرر داشت و بخصوص انحرافات "چپ" را که در جریان اجرای دو وظیفه فوق در برخی از مناطق روی داده بود برانداخت.

۲ - مراجعه شود به یادداشت سر آغاز «اوضاع کنونی و وظایف ما»، جلد حاضر.

۳ - اشاره است به «رهنمود در باره رفع اشتباهاتی در تعیین تعلق طبقاتی و در باره اتحاد با دهقانان میانه حال» که در ۱۳ ژانویه ۱۹۴۸ از طرف سوپوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی - سوی یوان صادر شد. این رهنمود به پنج بخش تقسیم شده و نکات اساسی آن از این قرار است:

(۱) - از آنجا که ملاک‌های تعیین تعلق طبقاتی بر روشنی معلوم نگردیده است بعضی از اشخاص بنا بر خواست خود بخود دهقانان، با اشتباه در شمار مالکان ارضی ورشکسته و یا دهقانان مرفه گذاشته شده‌اند. بویژه دهقانان میانه حال مرفه با اشتباه در ردیف دهقانان مرفه بقلم رفته‌اند. این امر مانع اتحاد با دهقانان میانه حال می‌گردد و اشتباه بود.

(۲) - باید اقدامات مقتضی برای اقناع مجددانه دهقانان برفع این اشتباهات بعمل آید. اموالی که مصادره شده‌است باید باندازه لازم بصاحبان آنها مسترد گردد.

(۳) - باید بدهقانان و به کادرها توضیح داد که یگانه ملاک تشخیص تعلق طبقاتی باید ملاک مبتنی بر روابط استثمار باشد. اشتباهاتی که در تعیین تعلق طبقاتی روی داده باید از میان برداشته شود.

(۴) - اصل تکیه بر دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و اتحاد با دهقانان میانه حال باید مراعات گردد. دهقانان میانه حال باید بتوانند بنسبت تقریباً یک سوم در کنفرانسهای نمایندگان دهقانان و در ارگان‌های رهبری اتحادیه‌های دهقانی شرکت جویند. در اخذ مالیات و در اصلاحات

ارضی باید منافع آنان را بطور شایسته در نظر گرفت .

(۵) - کادرهای مسئول باید سیاست طبقاتی حزب را در مناطق روستائی مورد بررسی جدی قرار دهند . هر اشتباهی که در مورد دهقانان میانه حال روی داده است باید بر طبق سیاست حزب در این زمینه اصلاح شود و این کار باید با عمل توده‌ها انجام گیرد .

سوبوروی شان سی - سوی یوان همزمان با رهنمود پنج ماده‌ای مذکور « رهنمود درباره حفظ صنعت و تجارت » را بمنظور اصلاح انحرافات که در طی اصلاحات ارضی بر صنعت و تجارت صدمه وارد میساخت صادر کرد .

۴ - منظور در اینجا کتوپراتیوهای تدارکات و فروش است .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه «جین سوی ژبائو»

( ۲ آوریل ۱۹۴۸ )

باید سیاست ما را نه فقط بر رهبران و کادرها بلکه بر توده‌های وسیع نیز روشن ساخت . تبلیغات مربوط به سیاست ما بطور کلی باید بوسیله روزنامه‌ها و مجلات حزب صورت گیرد . ما به اصلاح سیستم ارضی دست زده‌ایم . تدابیر سیاسی مربوط به اصلاحات ارضی باید بوسیله روزنامه‌ها و رادیو انتشار یابد تا توده‌های وسیع از آنها آگاه شوند . همینکه توده‌ها بحقیقت پی ببرند و هدف مشترکی پیدا کنند یکدل عمل خواهند کرد . مثل جنگ : برای کامیابی در نبرد نه فقط افسران بلکه سربازان نیز باید یکدلانه بمیدان در آیند . پس از آن که ارتش‌های ما در شنسی شمالی آموزش دیدند و اسور خود را تحکیم کردند و به جنبش حکایت رنج‌های روزگار قدیم پرداختند سطح آگاهی سربازان ارتقاء یافت و در یافتند که چرا می‌جنگند و چگونه باید بجنگند ، همگی برای نبرد دامن بر کمر زدند ، روحیه‌شان بالا رفت و همینکه وارد عمل گردیدند به پیروزی نائل آمدند . آنگاه که توده‌ها یکدلانه وارد عمل میشوند همه

کار آسان می‌گردد . یکی از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم اینست که چنان کنیم که توده‌ها منافع خویش را باز شناسند و در مبارزه در راه منافع خویش متحد شوند . نقش روزنامه و آنچه با و نیرو می‌بخشد اینست که برنامه و مشی حزب ، اصول و تدابیر سیاسی حزب ، وظائف و سبک‌های کار حزب را به سریع‌ترین و گسترده‌ترین وجهی باطلاع توده‌ها برساند .

در بعضی از نقاط ، عده‌ای از اعضاء ارگان‌های رهبری ما می‌پندارند که اطلاع رهبران از سیاست حزب به تنهایی کافی است و لازم نیست که سیاست مذکور باطلاع توده‌ها برسد . یکی از دلائل اصلی اینکه بخشی از کار ما بخوبی انجام نیافته همین است . بیش از بیست سال است که حزب ما هر روز به کار توده‌ای می‌پردازد و در طی ده سال اخیر هر روز از مشی توده‌ای صحبت میدارد . ما همیشه بر آن بوده‌ایم که انقلاب باید بر توده‌های مردم تکیه کند و شرکت هر فرد را بحساب بیاورد . ما همیشه مخالف آن بوده‌ایم که فقط به کسانی که صادر کننده دستوراند اکتفاء شود . معذک برخی از رفقا هنوز مشی توده‌ای را در فعالیت خود عمیقاً بکار نمی‌بندند ، همیشه فقط عده قلیلی را بحساب می‌آورند و در انفرادی بیروح بسر می‌برند . یکی از دلائلش اینست که رفقای مذکور هر کاری که انجام بدهند از توضیح دقیق آن بافراد تحت رهبری خویش اجتناب دارند و نمیدانند که چگونه باید ابتکار و نیروی آفرینندگی اینان را گسترش داد . از لحاظ ذهنی خواستار آنند که همه کس در کار شرکت جوید ولی بدیگران حالی نمی‌کنند که چه کاری باید انجام گیرد و چگونه باید انجام گیرد . در این صورت چگونه توقع دارید که همه بکار پردازند و کار بخوبی اجرا شود ؟ البته راه حل اساسی مسئله



آنست که باین رقبا در مورد مشی توده‌ای ، آموزش ایدئولوژیک داده شود ولی در عین حال باید بسیاری از سبک‌های مشخص کار را بآنها آموخت . یکی از این سبک‌های مشخص عبارتست از استفاده عمیق از روزنامه‌ها . روزنامه را بدرستی رهبری کردن ، آن را پر مطلب و جالب ساختن ، در آن به تبلیغ صحیح اصول و تدابیر سیاسی حزب دست زدن و بوسیله آن پیوند حزب را با توده‌ها تحکیم بخشیدن ، مسئله‌ای است که در کار حزب حائز اهمیت اصولی است و نباید از دیده فروگذار شود .

رقبا ! شما روزنامه‌نویسید . وظیفه شما همین است که بتوده‌ها آموزش بدهید ، منافع توده‌ها ، وظائف آنها ، اصول و تدابیر سیاسی حزب را بآنها بشناسانید . اداره روزنامه مانند هر کار دیگر است : برای اینکه روزنامه خوب بشود ، برای اینکه جاندار باشد باید در کار آن اهتمام ورزید . برای چرخاندن روزنامه‌ها نیز ما باید به همگان ، به توده‌های مردم ، به مجموعه حزب ، و نه فقط به عده قلیلی از اشخاص که در محیط سربسته بکار مشغول‌اند تکیه کنیم . روزنامه‌های ما هر روز از مشی توده‌ای صحبت میدارند ولی در کار خود روزنامه‌ها غالباً مشی توده‌ای از دیده فروگذار میشود . مثلاً غلطهای چاپی در روزنامه‌ها غالباً اتفاق می‌افتد و علتش فقط اینست که این کار را جدی نگرفته و به اصلاح آن همت نگماشته‌اند . اگر میخواهید در این مورد سبک مشی توده‌ای را بکار بندید باید در صورت پیدایش غلطها فقط بمنظور بحث درباره آنها کارمندان روزنامه را گرد هم آورید ، توضیح دهید که غلطها کدام است ، چرا غلطها روی داده‌است و چگونه میتوان آنها را از بین برد ، و از یکایک افراد بخواهید که باین امر توجه جدی معطوف دارد . پس از سه تا پنج مرتبه که بدین ترتیب عمل شود مسلماً اجتناب از این

غلطها امکان پذیر خواهد شد . این نکته ، هم در مورد امور کوچک صادق است و هم در مورد امور بزرگ .

سیاست حزب را در عمل توده‌ها متجلی ساختن ، نه فقط کادرهای رهبری بلکه همچنین توده‌های وسیع مردم را بدرک یکایک جنبش‌ها و یکایک مبارزات ما و به پیشبرد شایسته آنها رهنمون شدن ، چنین است هنر رهبری مارکسیستی - لنینیستی . و همین امر است که نشان میدهد که آیا ما میتوانیم در کار خویش از خطا پرهیزیم یا نه . اگر هنگامی که توده‌ها هنوز با گاهی نرسیده‌اند در صدد تعرض برائیم مرتکب ماجراجوئی شده‌ایم . اگر بخواهیم توده‌ها را بر خلاف دلخواه آنها بعملی واداریم بدون شك با شكست روبرو خواهیم شد . اگر هنگامی که توده‌ها خواستار پیشروی‌اند به پیش نرویم به اپورتونیسم راست گرفتار آمده‌ایم . خطای اپورتونیستی چن دو سیو همانا در آن بود که از لحاظ آگاهی سیاسی از توده‌ها عقب ماند ، نتوانست آنها را بجلو رهبری کند و حتی با پیشروی آنها مخالفت ورزید . هنوز بسیاری از رفقا این موضوعات را در نمی‌یابند . روزنامه‌های ما باید بوجهی شایسته به تبلیغ این نظریات همت بگذارند بطوری که همه کس بدرک آنها نائل آید .

رفقائی که در جراید کار میکنند برای آنکه بتوده‌ها آموزش بدهند باید نخست از آنها آموزش بگیرند . شما ، رفقا ، همگی روشنفکرید و روشنفکران غالباً مسائل عملی را در نمی‌یابند ، در مسائل عملی کم تجربه دارند و یا بهیچوجه تجربه ندارند . رساله « چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا » که در ۱۹۳۳ بطبع رسیده است تماماً برای شما قابل درک نیست . در این مورد دهقانان از شما قویتراند زیرا همینکه بانها توضیح داده شد بی‌درنگ می‌فهمند . بیش از صد و هشتاد نفر از دهقانان دو

بخش از شهرستان گوه سیان مدت پنج روز نشستند و مسائل عدیده‌ای را در مورد تقسیم اراضی حل کردند. اگر قرار بود هیئت تحریریه شما این مسائل را موضوع بحث قرار دهد تصور میکنم که چنانچه دو هفته هم ببحث مینشستید آنها را حل نمیکردید. و دلیلش خیلی ساده است: شما این مسائل را در نمی‌یابید. برای گذار از ندانستن به دانستن باید عمل کرد و نظاره کرد، و این همان است که آموختن نامیده میشود. رفقائی که در جراند کار میکنند باید بنوبه در مدت معینی در کار توده‌ای، در کار اصلاحات ارضی شرکت جویند. این بسیار لازم است. وقتی هم که در کار توده‌ای شرکت ندارید باید درباره جنبش‌های توده‌ای، بسیار بشنوید و بسیار بخوانید و در مطالعه اسناد مربوط بآنها جداً اهتمام ورزید. شعار ما در مورد آموزش سپاهیان چنین است: "افسران بسربازان بیاموزند، سربازان بافسران بیاموزند و سربازان بیکدیگر بیاموزند." سربازان از تجارب عملی عظیمی درباره نبرد برخوردارند. افسران باید از آنان بیاموزند و هر اندازه که تجربه دیگران را بیشتر فراگیرند به همان اندازه شایسته‌تر خواهند شد. رفقائی که در جراند کار میکنند نیز باید با مطالعه اسنادی که از پائین میآید پیوسته بیاموزند، معلومات عملی خود را بتدریج غنی سازند و بصورت افرادی در آیند از لحاظ تجربه توانگر. فقط باین طریق شما میتوانید کار خود را خوب انجام دهید و از عهده وظیفه آموزش توده‌ها برآئید.

روزنامه «جین سوی ژیبائو» پس از کنفرانس دبیران کمیته‌های ولایتی حزب که در ژوئن سال گذشته تشکیل شد به پیشرفت‌های بسیار بزرگی نائل آمد، از لحاظ مضمون غنی بود، تند و تیز بود، گزنده و جاندار بود، مبارزات عظیم توده‌ها را منعکس میساخت و برای توده‌ها

سخن میگفت . من با کمال میل آن را میخواندم . ولی از ژانویه امسال که ما به اصلاح انحرافات "چپ" دست زدیم بنظر میرسد که روزنامه شما از نفس افتاده است ، دیگر آن روشنی بیان را ندارد ، دیگر آنطور تند و تیز نیست ، کمتر خبر میدهد و زیاد برای خواننده جالب نیست . اکنون که شما به بررسی کار و ترازبندی تجارب خویش مشغولید ، این خیلی خوبست . وقتیکه تجارب خود را در مبارزه با انحرافات راست و "چپ" ترازبندی کنید و نظر روشنتری در آن باره داشته باشید به بهبود کار نائل خواهید گشت .

مبارزه‌ای که روزنامه «جین سوی ژیبائو» از ژوئن سال گذشته باین طرف بر ضد انحرافات راست در پیش گرفت کاملاً درست بود . شما در این مبارزه به کاری بسیار دقیق پرداختید و جنبش توده‌ای را در کلیه جوانبش بدرستی منعکس ساختید . شما درباره نظریات و اسنادی که اشتباه‌آمیز تشخیص میدادید به انتقاداتی بصورت تذکرات هیئت تحریریه دست زدید . با آنکه در برخی از تفسیرات اخیر شما نقایصی دیده میشود دقت شما شایان تحسین است . نقص عمده کار شما آن بود که زه کمان را زیاده از اندازه کشیدید و وقتیکه زه کمان را زیاده از اندازه بکشند میگسلد . در قدیم میگفتند : "قاعده شاهان وین و او عبارت بود از توالی کشیدن و رها کردن ." (۱) حالا اندکی "رها کنید" ، آنگاه رفقا دید روشن‌تر خواهند داشت . شما در کار خود به پیشرفتهائی نائل آمده‌اید ، ولی نقایصی نیز در کارتان بظهور رسیده که بطور عمده انحرافات "چپ" است . اینک به ترازبندی کلی مشغولید و موقعیکه انحرافات "چپ" را اصلاح کنید ، به پیشرفتهای بزرگتر نائل خواهید آمد .

آنکه که ما به اصلاح انحرافات دست میزنیم بعضی ها می پندارند که کار گذشته مطلقاً بی ثمر و پرداختن بان بکلی غلط بوده است. این صحیح نیست. این اشخاص نمی بینند که حزب ما دهقانان بیشماری را در مبارزه بغاطر تحصیل زمین و برانداختن فئودالیسم رهنمون شده، سازمان های خود را استحکام و سبک کار کادرها را بهبود بخشیده و اینک انحرافات "چپ" را نیز اصلاح کرده و کادرها و توده ها را آموزش داده است. آیا اینها کامیابی های بزرگ نیست؟ ما باید کار خود و اقدامات توده ها را با روحیه تحلیل مورد ارزیابی قرار دهیم نه اینکه همه چیز را یکجا محکوم کنیم. سابقاً انحرافات "چپ" از آن جهت روی داد که تجربه نبود. بدون تجربه، بدشواری میتوان از اشتباه برکنار ماند. بین بی تجربگی و تجربه، مرحله ای است که باید پیمود. در طی دوران کوتاه پس از ژوئن سال گذشته تا امروز، انحرافات راست و "چپ"، این نکته فهمیده شدند که مبارزه با انحرافات راست و مبارزه با انحراف "چپ" بجهت معنی است. این نکته بدون پیمودن آن مرحله فهمیده نمیشد.

پس از آنکه شما کار خود را بررسی و تجارب خویش را ترازبندی کنید اطمینان دارم که کار روزنامه را باز هم بیشتر بهبود خواهید داد. روزنامه شما باید شایستگی سابق خویش را دوباره بدست آورد. روزنامه شما باید تند و تیز، گزنده و روشن باشد، و با نهایت دقت اداره شود. ما باید در دفاع از حقیقت استوار باشیم و حقیقت ایجاب میکند که موضعی صریح اختیار کنیم. ما کمونیستها پوشاندن نظریات خود را پیوسته مرم آور شمرده ایم. روزنامه های تحت رهبری حزب ما و مجموعه کار تبلیغاتی ما باید جاندار باشند، موضع صریح داشته باشند، تیز و برا

باشند و هرگز نباید در ابهام بمانند. برای ما، برای پروتاریای انقلابی، سبک پیکارجویانه لازم است. ما که میخواهیم شناخت حقیقت را بخلق بیاموزیم و او را بمبارزه بخاطر رهائی خودش برانگیزیم به چنین سبک پیکارجویانه‌ای نیازمندیم. تیغی که برائی ندارد بکار نیاید.

### یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به کتاب «آداب»، «لطائف گوناگون».